

اثر قلم گرفتن عبارت «به حواله کرد» بر روی چک در پر توء آراء قضایی

علی منتقمی راد*

چکیده

در خصوص قلم گرفتن عبارت «به حواله کرد» روی چک، در رویه قضایی اختلاف نظر زیادی دیده می‌شود، به نحوی که با مطالعه چندین رأی در این موضوع، می‌توان دریافت که میان قضاات به‌ویژه قضاات رسیدگی‌کننده در مرحله بدوی و تجدیدنظر، استدلال‌های متفاوتی به چشم می‌خورد. با توجه به رویه قضایی، معمولاً رأی دادگاه‌های بدوی با تأیید دادخواست خواهان (دارنده بعدی چک)، مبنی بر استحقاق مطالبه وجه چک به جهت امکان انتقال آن در صورت خط زدن عبارت حواله کرد همراه است، در حالی که در استدلال دادگاه‌های تجدیدنظر خلاف این نظر جلوه‌گر هست. این وضعیت نشان از فقدان یک معیار و استدلال پایه در آراء قضایی مرتبط با این موضوع دارد. در انتها این پژوهش روشن خواهد شد که قواعد کلی حقوق تجارت و کنوانسیون ژنو تا حدودی پاسخ این مسئله را داده‌اند. در ادامه آراء مذکور به‌همراه نقد و بررسی آن‌ها می‌آید.

کلید واژگان: قلم گرفتن؛ حواله کرد؛ اسناد تجاری؛ چک؛ آراء قضایی

۱. مشخصات آراء

- الف) عنوان: اثر خط زدن عبارت «به حواله کرد» بر روی چک^۱
- شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۳۰۱۷۵۱
 - تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱۱
 - مرجع صدور رأی: شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
 - خلاصه رأی: چنانچه عبارت «به حواله کرد» توسط صادرکننده در هنگام صدور چک خط بخورد، امکان ظهرنویسی چک به قصد انتقال به شخص ثالث از بین می‌رود.
- ب) عنوان: تأثیر حذف کلمه «حواله کرد» در انتقال چک^۲
- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۲۸۶
 - تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۳/۰۳/۱۷
 - مرجع صدور رأی: شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
 - خلاصه رأی: هرچند ممکن است چک در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد اما اگر صادرکننده چک کلمه «به حواله کرد» در متن چک را خط بزند، به معنی این است که چک را در وجه شخص معین مذکور در متن آن صادر کرده است و حق انتقال آن به دیگری را بنا به روابط احتمالی فی‌مابین از وی سلب کرده است.
 - مستندات رأی: مواد ۳۱۰ و ۳۱۲ قانون تجارت
- ج) عنوان: تأثیر حذف کلمه «حواله کرد» در انتقال چک^۳
- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۳۷۳
 - تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۳/۰۵/۱۵
 - مرجع صدور رأی: شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۱. سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۹۷/۱۱/۲۵)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=MkxLUmFVQjN6eUU9>

۲. سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۹۷/۱۱/۲۵)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=dzhCVnNLUmVzaDQ9>

۳. سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۹۷/۱۱/۲۵)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=SVhEKzVFYkpmQXc9>

- خلاصه رأی: در صورتی که صادرکننده چک، عبارت «به حواله کرد» را خط بزند، باید به اراده طرفین احترام گذاشته و چنین چکی را غیرقابل نقل و انتقال دانست.
- مستندات رأی: ماده ۳۱۲ قانون تجارت و نظریه مشورتی شماره ۶۷۵۹/۷ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه
(د) عنوان: قلم زدن «حواله کرد»^۱
- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۲۱۳۱۳۰۰۱۵۰
- تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۳/۰۷/۲۶
- مرجع صدور رأی: شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
- خلاصه رأی: قلم زدن کلمه «به حواله کرد» از طرف صادرکننده چک، موجب می شود انتقال گیرنده حق شکایت کیفری علیه صادرکننده چک را نداشته باشد.
- (ه) عنوان: تأثیر خط خوردن «حواله کرد» در چک بر حق اقامه دعوا^۲
- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۱۰۸۷
- تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۳/۰۸/۲۰
- مرجع صدور رأی: شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
- خلاصه رأی: چنانچه در چک، عبارت «حواله کرد» خط خورده باشد، چنین چکی فقط توسط شخص تعیین شده می تواند وصول شود. بنابراین با وصف خط خوردن حواله کرد، چک قابل انتقال با ظهرو نویسی نیست.
- مستندات رأی: نظریه شماره ۶۷۵۹/۷ - ۶۷/۱۲/۱۰ اداره حقوقی قوه قضائیه
(و) عنوان: اثر خط خوردن عبارت «حواله کرد» در چک بر انتقال آن
- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۱۲۵۴

۱. سایت پژوهشگاه قوه قضائیه: (۹۷/۱۱/۲۶)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=SDFra0N3clZCMFU9>

۲. سایت پژوهشگاه قوه قضائیه: (۹۷/۱۱/۲۵)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=UGdhOUxzUFJtNG89>

۳. سایت پژوهشگاه قوه قضائیه: (۹۷/۱۱/۲۵)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=TW9INU02U1hmZDg9>

- تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸
- مرجع صدور رأی: شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
- خلاصه رأی: به عدم استحقاق طرح دعوی مطالبه وجه چک از سوی شخصی غیر از خواهان حکم می‌گردد؛ به علت این‌که چک در وجه شخص معین (دارنده اولیه چک) صادر شده و با خط خوردن عبارت «حواله کرد» آن، انتقال چک مغایر با اراده طرفین است.
- مستندات رأی: مواد ۳۱۲ و ۳۱۴ قانون تجارت
- ز) عنوان: خط زدن عبارت «به حواله کرد» در متن چک^۱
- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۱۵۶۷
- تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵
- مرجع صدور رأی: شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
- خلاصه رأی: در صورت قلم گرفتن عبارت «به حواله کرد» در متن چک، حق ظهرو نویسی و انتقال آن به شخص ثالث، از دارنده نخستین سلب می‌شود و اگر دارنده چنین کند، دعوی انتقال گیرنده (ثالث) برای مطالبه وجه چک قابل استماع نیست.

۲. نقد و بررسی آرا

۲.۱. نقد استدلال عدم وجود رابطه میان صادرکننده چک و دارنده بعدی

همان‌طور که در آرا مشخص است، مرجعی که نظری مبنی بر عدم انتقال چک به غیر دارد دادگاه تجدیدنظر است، در حالی که دادگاه بدوی در غالب موارد، به قابل انتقال بودن چک رأی می‌دهد. یکی از ادله عدم استماع دعوی مطالبه وجه چک توسط منتقل‌الیه که دارنده اصلی نیست، عدم وجود رابطه میان خواهان به‌عنوان منتقل‌الیه و خوانده به‌عنوان صادرکننده چک مطرح می‌شود. زیرا که چک در وجه شخص معین صادر گردیده و عبارت «به حواله کرد» نیز خط خورده است. به عبارت دیگر گفته می‌شود که صدور چک یک ماهیت قراردادی بین طرفین دارد و

۱. سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۹۷/۱۱/۲۶)

زمانی که آن‌ها «حواله کرد» روی چک را خط می‌زنند، یعنی اراده خود را بر عدم انتقال سند ابراز کرده‌اند. به همین خاطر شرایط انتقال چک باید طبق اراده طرفین مشخص گردد. در ادامه دلایلی بیان می‌شود که این نظر را رد می‌کند:

الف) اساس انتقال چک صادرشده در وجه شخص معین از طریق ظهرنویسی، با مانعی روبه‌رو نیست؛ زیرا که امروزه اصل بر امکان انتقال سند تجاری است و به تبع آن، خواست و نیاز طرفین نیز همین نکته را به ذهن متبادر می‌کند (اسکینی، ۱۳۹۶: ۹۶). با توجه به مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ قانون تجارت، در می‌یابیم که قواعد عرف تجاری نیز مؤید همین نظر است. بنابراین حتی اگر با قلم گرفتن «حواله کرد»، آن را حذف‌شده در نظر بگیریم، مجدداً سند در وجه شخص معین باقی می‌ماند و قابل انتقال خواهد بود. (فخاری، بی‌تا: ۱۳ و اسکینی، ۱۳۹۶: ۲۵۲) زیرا که نمی‌توان از خط خوردن عبارت مذکور، اراده طرفین مبنی بر عدم انتقال را استنباط کرد. به عبارت دیگر ظاهر این است که قلم گرفتن «حواله کرد»، اماره‌ای عرفی مبنی بر عدم امکان انتقال توسط اراده طرفین نیست.

ب) صدور سند تجاری چک از سوی خواننده و قبول وی مبنی بر صدور آن، کفایت می‌کند در این‌که وی مسئول پرداخت وجه چک شناخته شده و اشتغال ذمه او محرز شود. به دیگر سخن، صرف صدور یا ظهرنویسی چک، ظهور و دلالت بر اشتغال ذمه صادرکننده دارد. به همین جهت است که طبق ماده ۳۱۳ قانون تجارت، صادرکننده چک در مقابل دارنده بعدی، مکلف به پرداخت وجه سند می‌شود؛ بنابراین این استدلال که دارنده غیر اصیل چک، به جهت خط خوردگی عبارت «حواله کرد» و به دنبال آن عدم امکان انتقال سند، مستحق مطالبه و دارا شدن وجه آن نیست، متقن و مسموع نخواهد بود.

ج) مطابق وصف تجریدی بودن اسناد تجاری و اصل رعایت حقوق دارنده با حسن نیت که شخص ثالث (منتقل‌الیه) را نیز در برمی‌گیرد،^۱ همچنین بر

۱. رجوع شود به دو رأی مربوط به وصف تجریدی چک و عدم استناد ایرادات نسبت به دارنده با حسن نیت:

سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۱۳۹۷/۱۱/۲۵)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=b1BZTj1jN211TnM9>

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=MUVRUVo2UGNyaVE9>

اساس اطلاق مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت، ذیل ماده ۲ قانون صدور چک که به‌طور مصرح، دارنده را اعم از دارنده اصلی و منتقل‌الیه با پشت‌نویسی می‌داند، اطلاق تبصره الحاقی و قانون استفساریه آن، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۲ ضمیمه اول کنوانسیون ژنو در خصوص چک، مشخص می‌شود که تعهد صادرکننده چک (خواننده) به پرداخت وجه سند، محرز است و با توجه به استصحاب بقاء دین، در صورت عدم پرداخت وجه، وضعیت بدهکار بودن وی همچنان استمرار دارد. پس فرقی نمی‌کند که طلبکار وی چه کسی باشد.

۲.۲ دلایل مستقل در رد آراء مذکور

دلایل دیگری که می‌توان برای رد نظر دادگاه‌ها مبنی بر عدم انتقال چک با قلم گرفتن «حواله‌کرد» بیان نمود، عبارت‌اند از:

الف) با نگاهی به تاریخچه تجارت، می‌توان فهمید که همواره گردش چک در معاملات مهم بوده و امور زندگی مردم و تجار به آن وابسته است. اگر رأی به عدم انتقال سند چکی که «حواله‌کرد» روی آن خط خورده است، داده شود، نه تنها چک گردش تجاری خود را از دست می‌دهد، بلکه دیگر اعتماد به این سند در نزد دارندگان پایین می‌آید و موجب تزلزل معاملات خواهد شد. با توجه به این نکات، ضعف عملی استدلال این آرا روشن می‌گردد. به عنوان مثال فرض کنید که شخص (الف) در ازاء خرید ۵۰۰ دستگاه ماشین‌آلات صنعتی از شخص (ب)، چکی با همان وصف صادر می‌کند. سپس شخص (ب) نیز در یک معامله دیگر، در ازاء بدهی خود به شخص (ج) همان چک را به وی انتقال می‌دهد و به همین ترتیب سند به چندین نفر دست به دست می‌شود و بر اساس اعتماد عرف تجاری، در معاملات وارد می‌گردد. حکم به عدم اعتبار چنین سندی، عواقب و آثاری بس مخرب و خانمان‌سوزی دارد که به سختی قابل جبران خواهد بود.

ب) ازجمله مستندات آراء مذکور، مواد ۳۱۲ و ۳۱۴ قانون تجارت بیان شده است. اما باید گفت عدم امکان انتقال چک و عدم طرح دعوی مطالبه وجه آن از سوی دارنده بعدی از این مواد، فهم نمی‌شود بلکه از این دو ماده

به‌ویژه ماده ۳۱۲ قانون تجارت، قابل انتقال بودن چک از طریق ظهرونیسی برداشت می‌شود تا خلاف آن.

ج) همچنین مستند دیگر آراء، نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه است که همان‌طور که از عنوان مشورتی بودن مشخص است، نظریه این اداره محترم، مشورتی و ارشادی بوده و لازم‌الاتباع نیست. در واقع نظر این اداره، جنبه کاربردی و راهگشایی دارد.^۱ بنابراین نمی‌توان آن را مبنای مسلم رویه قضایی قرار داد. زیرا که چاره‌ساز اختلافات آراء و نظرات در این خصوص نخواهد بود.

ه) با توجه به بخش‌نامه صادره از بانک مرکزی، می‌توان گفت عرف بانک‌ها چنین است که صدور چک با خط‌خوردگی عبارت «حواله کرد» را اماره عرفی مبنی بر شرط عدم انتقال آن نمی‌دانند بلکه نقل و انتقال آن از طریق ظهرونیسی مجاز تلقی می‌شود. به هر حال در صورت بی‌محل بودن حساب صادرکننده، بانک گواهی عدم پرداخت وجه چک را برای دارنده صادر می‌کند که این نشان از قبول انتقال سند به شخص دیگر است.

ر) از طرفی بدون در نظر گرفتن مصلحت معاملات و عرف حقوق تجارت، با فرض این‌که اراده طرفین نیز چنین باشد که با قلم‌گرفتنی این عبارت، از انتقال چک منع شود، از آن‌جا که ضمانت اجرا و شرط بی‌اعتباری یا عدم پرداخت وجه در صورت انتقال آن در خود سند قید نشده است، مجدداً در عمل از سوی دارنده بعدی، قابل مطالبه خواهد بود و صادرکننده، متعهد به پرداخت شناخته می‌شود.

۳. بیان نظر قابل انتقال بودن چک با توجه به تاریخچه و مراد قانون‌گذار

در ادامه برای این‌که به‌درستی تشخیص دهیم که آیا قلم گرفتن کلمه «حواله کرد»، به غیرقابل انتقال شدن سند تجاری منجر خواهد شد یا خیر، لازم می‌آید که به تاریخچه و پیشینه چک و روند قانون‌گذاری توجه کنیم. می‌توان گفت هدف از ساخت نهاد اسناد تجاری، کسب اطمینان و اعتماد

صاحبان پول برای حفاظت و امنیت آن بوده است که این امر از طریق مطالبه وجه چک تنها از طریق شخص دارنده اصلی، و به عبارت دیگر، سلب حق عدم انتقال اسناد مذکور قابلیت تحقق داشته است؛ اما به تدریج با پیشرفت در نظارت بر امور تجاری و نیاز عرف، نقل و انتقال این اسناد از جمله چک، با روش ظهنویسی با تنظیم کنوانسیون ژنو میسر و ممکن گردید. در واقع همان طور که وحدت ملاک ماده ۲۴۵ قانون تجارت اشاره دارد، انتقال اسناد با آوردن کلمه «حواله کرد» بر روی سند پیش‌بینی شد (اسکینی، ۱۳۹۶: ۱۴ و ۱۵).

در حقیقت اصل عدم انتقال سند تجاری، جای خود را به اصل انتقال این سند داد؛ بنابراین امروزه طبق ماده ۱۱ کنوانسیون ژنو، در صورتی چک به‌عنوان سند غیرقابل انتقال با ظهنویسی در نظر گرفته می‌شود که کلمه «غیر قابل انتقال» یا «عدم حواله کرد» یا هر کلمه دیگری که همین مفهوم را برساند، بر روی چک قید شود. بر اساس اصل و پیشینه اسناد، باید گفت که صرف خط زدن عبارت «حواله کرد» چپی بر چک را نمی‌توان اماره غیرقابل انتقال بودن چک از نظر طرفین دانست. همان طور که به‌طور کلی اگر در چک آن عبارت هم ذکر نشود، یعنی صرفاً در وجه شخص معین باشد، مجدداً سند قابل ظهنویسی به‌منظور انتقال بوده و هیچ‌گونه منعی برای آن نیست. زیرا که سند در وجه شخص معین نیز امروزه قابل انتقال در نظر گرفته می‌شود. این بیان از مواد ۲۴۵ قانون تجارت در خصوص برات، ماده ۳۰۹ قانون تجارت در خصوص سفته و ماده ۳۱۲ قانون تجارت در خصوص چک مستنبط است. به نحوی که قید یا عدم حواله کرد را برای انتقال سند با ظهنویسی، یکسان در نظر می‌گیرد (فخاری، بی‌تا: ۱۳ و ۱۴).

اثر مهمی که رویکرد قابل انتقال بودن سند تجاری با قلم گرفتن کلمه «حواله کرد» دارد، ادامه داشتن گردش سند تجاری است که این امر از مهم‌ترین اهداف تاجران و مطابق با عرف تجاری محسوب می‌گردد. پس این نظر اولاً هم‌سو با رویه عملی در عالم واقع است، ثانیاً به تسریع امور بازرگانی که یکی از ویژگی‌های اساسی تجارت مدرن است، کمک خواهد کرد؛ بنابراین مصلحت حقوق تجارت و کاربرد اسناد تجاری ایجاب می‌کند که به حقوق دارندگان بعدی چک بیشتر توجه شود و حمایت از حقوق صادرکننده را در جایی اعمال کند که وی به‌طور روشن و

مصرح، در سند تجاری حق انتقال به غیر را از دارنده اصلی سلب نموده است. در ادامه مشخصات سه رأی از میان آرائی که سند با این وصف را قابل انتقال می‌دانند، می‌آید که نشان از این دارد که بیان این مطلب نه تنها دور از ذهن نبوده، بلکه هم‌سو با رویه قضایی و نگاه قضات است و طرفداران خود را دارد.

عنوان: اثر خط خوردن «حواله‌کرد» در ظهرنویسی چک^۱

- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۱۰۹۶

- تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۲۷

- مرجع صدور رأی: شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

- خلاصه رأی: ساز و کار نقل و انتقال اسناد تجاری، ظهرنویسی است؛ بنابراین خط خوردن «حواله‌کرد» اثری بر عدم انتقال چک از طریق ظهرنویسی ندارد و در عرف بانکداری نیز خط خوردن «حواله‌کرد» مانع پرداخت وجه نیست.

- مستندات رأی: ماده ۲۴۶ قانون تجارت

عنوان: اثر حقوقی خط زدن «به حواله‌کرد»^۲

- شماره رأی نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۵۴۵

- تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۳/۰۵/۱۵

- مرجع صدور رأی: شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

- خلاصه رأی: خط گرفتگی کلمه «به حواله‌کرد» در متن چک، تأثیری در اسقاط حق انتقال به غیر ندارد.

- مستندات رأی: مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و مواد ۱۹۸، ۵۰۲، ۵۱۵،

۵۱۹ و ۵۲۲ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

مدنی مصوب ۱۳۷۹ و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب

۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون استفساریه تبصره

مذکور مصوب مجمع مزبور مورخ ۱۳۷۷/۰۹/۲۱

۱. سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۹۷/۱/۲۶)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=WDNGbjZjRGhoaTA9>

۲. سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۹۷/۱/۲۶)

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=djd0U01RUm5QbWM9>

- عنوان: اثر خط زدن «حواله کرد» در چک^۱
- شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۱۴۱۲
 - تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰
 - مرجع صدور: شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
 - خلاصه رأی: چک سندی تجاری است که با ظهرنویسی به دیگری منتقل می‌شود. بنابراین خط خوردن عبارت «حواله کرد» در متن چک نمی‌تواند وصف انتقال‌پذیری را از چک سلب نموده و این امر نمی‌تواند کاشف از اراده صادرکننده و دارنده اولیه چک بر منع انتقال چک به ثالث باشد.
 - مستندات: ماده ۳۱۲ قانون تجارت
- همان‌طور که اشاره شد، در سه رأی فوق، به همان جهات موضوعی و حکم مذکور در قسمت نقد آراء، استناد شده و آن‌ها را تأیید می‌نماید.

نتیجه

در نتیجه باید گفت که خط زدن عبارت «به حواله کرد» در سند چک، اولاً حاکی از اراده طرفین مبنی بر سلب حق انتقال آن به غیر از طریق ظهرنویسی نیست. زیرا که اصل بر انتقال اسناد تجاری است. (طبق مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت، ماده ۲ قانون صدور چک و تبصره الحاقی و قانون استفساریه آن). ثانیاً اگر به فرض هم حاکی از سلب حق انتقال باشد، دلایل دیگری معارض با آن قرار می‌گیرد از جمله: ۱- وصف تجریدی اسناد تجارتي به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده و هم‌راستا با اصل رعایت حقوق دارنده با حسن نیت که اعم از دارنده اصلی و بعد از وی است، اشتغال ذمه صادرکننده چک به پرداخت وجه آن را در پی دارد ۲- اصل استصحاب بقاء دین اثبات‌شده صادرکننده، هرگونه شک و شبهه در برائت ذمه وی را از بین می‌برد ۳- مصلحت حقوق تجارت و عرف تجاری نیز گردش و جریان چک را در بازار اقتضا دارد ۴- هیچ‌گونه شرط مبین سلب حق انتقال سند به دیگری و به دنبال آن، ضمانت اجراء عدم پرداخت وجه مطالبه‌شده چک به دارنده بعدی، در

۱. سایت پژوهشگاه قوه قضاییه: (۹۷/۱۱/۲۵)

متن سند پیش‌بینی و تصریح نشده است، بنابراین در این حالت نیز به نظر می‌رسد باز هم در عمل، انتقال چک از طریق ظهرنویسی به دیگری و مطالبه وجه آن از سوی منتقل‌آلیه، با مانعی روبه‌رو نباشد.

در انتهای بحث، بیان این مطلب لازم است که با کنار گذاشتن تمام استدلالات فوق، راه دیگری نیز وجود دارد که بتوان چک را به شخص ثالث منتقل کرد، هر چند انتقال آن از طریق ظهرنویسی به منظور انتقال، منع شده باشد. این راه که امکان انتقال اسناد تجارتي را توجیه می‌کند، ظهرنویسی به منظور وکالت است. در این نوع ظهرنویسی، اگرچه وکیل به عنوان ذی‌نفع ظهرنویسی به منظور وکالت، حق اعمال تمام حقوق دارنده اصیل را دارد، جز انتقال سند تجاری که این مورد تفاوت اول آن با ظهرنویسی به منظور انتقال است، اما می‌تواند همان کارکرد ظهرنویسی به منظور انتقال را داشته باشد.^۱

بنابراین، با وجود تصور اشتباه از ظهرنویسی به منظور وکالت که هدف از آن را تنها کاهش هزینه وصول و یا صرف وصول سند توسط دیگری می‌دانند، کارکردهای دیگری نیز برای آن متصور است، از جمله این‌که در حالتی که ظهرنویسی به منظور انتقال در چک سلب شده است، دارنده اصلی می‌تواند چک را با ظهرنویسی به منظور وکالت در اختیار طلبکار خود قرار دهد تا به عنوان وکیل، سند را وصول کرده و وجه چک را در اداء طلب خود به مصرف برساند. اگر در یک فرض هم چک وصول نشد، با دریافت گواهی عدم پرداخت، از آن‌جا که وکیل همان حقوق و تکالیف موکل را داراست، می‌تواند علیه صادرکننده چک طرح دعوی نیز بکند. این بیان مطابق ماده ۲۳ کنوانسیون ژنو در خصوص چک بوده و از ماده ۲۴۷ قانون تجارت نیز قابل فهم است که به موجب این مواد، ذی‌نفع ظهرنویسی به منظور وکالت، در طرح دعوی علیه صادرکننده چک، مباشرتاً ذی‌سمت است. پس در نهایت، راه برای انتقال سند به دیگری حتی با منع مصرح در سند نیز بسته نیست، چه رسد به حالتی که با قلم گرفتن عبارت «به حواله کرد» باشد که تأثیر آن بر اثبات عدم امکان انتقال چک و عدم امکان مطالبه وجه آن توسط دارنده غیر اصیل، بعید به نظر می‌رسد.

۱. تفاوت دوم نیز قرار گرفتن ذی‌نفع ظهرنویسی به منظور وکالت در برابر تمام ایراداتی است که در برابر موکل وی قابل طرح است، خلاف ذی‌نفع ظهرنویسی به منظور انتقال.

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۶)، **حقوق تجارت (اسناد تجاری)**، تهران: انتشارات سمت.
- فخاری، حسین (بی‌تا)، **جزوه درسی حقوق تجارت ۵**، گردآوری شده به همت انجمن علمی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع).